

# در تمنای شهادت\*

بسم الله الرحمن الرحيم

الله اكبر

اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمداً رسول الله، اشهد ان علياً ولي الله  
اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، صدق الله العلي العظيم، السلام عليكم ورحمه الله وبركاته

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوندا فقط می خواهم شهید شوم، شهید در راه تو

خدایا مرا بپذیر و در جمع شهدا قرار بده

خداوند ا روزی شهادت می خواهم که از همه چیز خبری هست الا شهادت، ولی

خداوندا تو صاحب همه چیز و همه کس هستی و قادر توانایی

ای خداوند کریم و رحیم و بخشنده تو کرمی کن، لطفی بفرما، مرا شهید راه خودت قرار ده

با تمام وجود درک کردم عشق واقعی تویی و شهادت بهترین راه برای دست یافتن به این عشق.

بسم الله الرحمن الرحيم

نمی دانم چه باید کرد، فقط می دانم زندگی در این دنیا بسیار سخت است

واقعا جایی برای خودم نمی یابم

هر موقع آماده می شوم چند کلمه ای بنویسم آنقدر حرف دارم که نمی دانم کدام را بنویسم

از درد دنیا

از دوری شهدا

از سختی زندگی دنیایی

از دست خالی بودن برای فردای آن دنیا  
و هزاران هزار حرف دیگر  
که در یک کلام  
اگر نبود امید به حضرت حق واقعاً چه باید می کردیم  
اگر سخت است، خدا را داریم  
اگر در سپاه هستیم، خدا را داریم  
اگر درد دوری از شهدای عزیز را داریم، خدا را داریم  
ای خدای شهدا  
ای خدای حسین  
ای خدای فاطمه الزهرا (س)  
بندگی خود را عطا بفرما و در راه خودت شهیدم کن  
ای خدا یا رب العالمین  
راستی چه بگویم  
سینه ام از دوری دوستان سفر کرده  
از درد دیگر تحمل ندارد  
خداوندا تو کمک کن چه کنم  
فقط و فقط به امید و لطف حضرت تو امیدوار هستم  
خداوندا خود می دانم بد بودم  
و چه کردم که از کاروان دوستان شهیدم عقب مانده ام  
و دوران سخت و سخت را باید تحمل کنم  
ای خدای کریم، ای خدای عزیز و رحیم و کریم  
تو کمک کن به جمع دوستان شهیدم پیوندم  
چه بدم  
و ای خدا تو رحم کن و کمک کن  
بدی مرا می بینی دوست دارم بنده باشم،  
بندگی ام را ببین  
ای خدای بزرگ، رب من، اگر بدم و اگر خطا می کنم از روی سرکشی نیست بلکه از روی نادانی است  
خداوندا من بسیار در سختی هستم چون هر چه فکر می کنم می بینم چه چیز خوب و چه رحمت بزرگی را از دست دادم ولی  
ای خدای کریم باز امید به لطف و بزرگی تو دارم  
خداوندا تو توانایی  
ای حضرت حق خودت کمک کن  
دوری دوستان شهید غیر قابل تحمل است

هرگز این فکر را نمی کردم و این گونه نمی اندیشیدم که به این سختی باشد

حضرت حق خودت دستم را بگیر

یارب یارب ای مولای من، ای رب من

تو تنها امید من هستی

وای چند سال دوری

وای چقدر سختی

حضرت حق خودت دستم را بگیر نجاتم بده

دوری از شهدا

کار خوب نکردن

بنده خوب نبودن

دیگر...

حضرت حق امید تو اگر نبود پس چه؟

آیا من هم در آن صف بودم

وای چه روزهای خوشی بود وقتی به عکس ها نگاه می کنم از درد سختی که تمام وجودم را می گیرد دیگر تحمل دیدن را ندارم

دوران لطف بی منتهای حضرت حق، دوران جهاد، دوران عشق، دوران رسیدن آسان به حضرت حق

وای من بودم نفهمیدم

وای من هستم که باید سختی دوارن را طی کنم

الله اکبر، خداوندا خودت کمک کن

خداوندا تو را به خون شهدای عزیز و همه بندگان قسم می دهم شهادت را در همین دوران نصیبم بفرما

و توفیقم بده هر چه زودتر به دوستان شهیدم برسم.

ان شاء الله تعالی.

جمعه ۱۳۸۲/۴/۶ منزل ظهر